

«و لكن الإنصاف أنه يمكن حسم مادة الأشكال بما ذكرناه من معنى الحيثية التي أخذت قيда في موضوع العلم، فإنه هب أن هذه العوارض من العوارض الذاتيّة للكلمة، إلا أن المبحوث عنه في علم النحو ليس مطلق ما يعرض الكلمة من العوارض الذاتيّة لها، بل من حيث خصوص قابليتها للحقوق البناء والإعراب لها، على وجه تكون هذه الحيثية هي مناط البحث في علم النحو، فالحيثية في المقام حيثية تقييدية، لا تعليلية، و لا الحيثية التي تكون عنوانا للموضوع كالحيثية في قولنا: الماهية من حيث هي ليست إلا هي. فإذا صار الموضوع في علم النحو هي الكلمة من حيث خصوص لحوق البناء والإعراب لها، و الموضوع في علم الصّرف هي الكلمة من حيث خصوص لحوق الصّحة والاعتلال لها، فيكون المائز بين علم النحو و الصّرف هو الموضوع المتحيث بالحيثية الكذائية. و بعد ذلك، لا موجب لدعوى أن تمايز العلوم بتمايز الأغراض، مع أن هناك مائز ذاتي في الرتبة السابقة على الغرض.

و ما يقال: من أن الموضوع في علم المعاني هو الكلمة القابلة للحقوق البناء والإعراب لها، فيرتفع المائز بين علم النحو و علم المعاني فضعه ظاهر، إذا لموضوع في علم المعاني، ليس هو الكلمة من حيث لحوق الإعراب و البناء لها، بل هو الكلمة من حيث لحوق الفصاحة و البلاغة لها، و ان كان لحوق الفصاحة و البلاغة لها في حال لحوق البناء و الإعراب لها، إلا أن كون الكلمة في حال كذا موضوعا لعلم لا يكون البحث في ذلك العلم عن ذلك الحال غير كون الكلمة موضوعا بقيد ذاك الحال فتأمل.

و بما ذكرنا من قيد الحيثية يظهر :

أن البحث في جلّ مباحث الأوامر و النواهي ممّا يرجع البحث عن مفاهيم الألفاظ و مداليل صيغ الأمر و النهي، يكون بحثا عمّا يلحق موضوع علم الأصول و ليس من المعاني اللغوية، إذ البحث في تلك المباحث أنما يكون من حيثية استنباط الحكم الشرعي، و ان كان عنوان البحث أعم، إلا أن قيد الحيثية ملحوظ فتأمل .

و إذا عرفت ما ذكرناه: من أن تمايز العلوم بتمايز الموضوعات، و تمايز الموضوعات بتمايز الحيثيات، فلا يهمنّا البحث عن أن عوارض الجنس من العوارض الذاتيّة أو العوارض الغريبة، و نفصل القول في أقسام كلّ منها، فليطلب من المطوّلات.»^۱

توضيح :

مرحوم نائینی معتقد است موضوع علم مركب است (مثلا) از كلمه و حيثيت تقييده اي كه به عنوان قيد همراه آن است ؛ پس موضوع نحو «كلمه + حيثيت اعراب» است و موضوع علم حرف «كلمه + حيثيت صحت و اعتلال» است. پس فرق آنها به حيثيت ها می باشد و فرق آنها با فلسفه در این است كه موضوع فلسفه «موجود» است و موضوع آن دو «كلمه و حيثيت».

۱. فوائد الاصول ص ۲۵ الى ۲۶



نکته : علت آنکه مرحوم نائینی از مسلک مشهور - که می گویند تمایز علوم به تمایز موضوعات است - عدول کرده اند، آن است که موضوع برخی از علوم با یکدیگر یکی شوند (مثلا کلمه و کلام، هم موضوع علم صرف است و هم موضوع علم نحو و هم موضوع معانی و بیان)^۱؛ ایشان به سبب ردّ این اشکال با اضافه کردن قید «حیثیت» خواسته اند مشکل را حل نمایند

نکته : مرحوم پروجردی رحمه الله علیه، موضوع علم نحو را «حیثیت اعراب» و نه «کلمه و حیثیت اعراب» می دانست. پس از این جهت بین این دو بزرگوار تفاوت است.

ما می گوئیم :

اولا : آیا نمی توان علمی را یافت که تفاوت آنها به تفاوت محمولات آن ها باشد مثلا تفاوت فلسفه و اصول فقه به تفاوت محمولات آنها است، محمول تمام مسائل فلسفه «موجود» است و محمول تمام مسائل اصول «حجة فی الفقه» است و یا در علم تراجم محمول همه مسائل «عالم» است و همین وجه تمایز آن با علوم دیگر است. پس ضابطه ایشان فراگیر نیست.^۲

ثانیا : ما برای چه به دنبال یافتن وجه تمایز هستیم؟ برای آنکه اگر قضیه ای را یافتیم و نمی دانیم مربوط به این علم است یا نه؟، آن را با توجه به آن ملاک در آن علم قرار دهیم. حال اگر علمی پیرامون محمول واحد شکل گرفته است (مثل فلسفه که پیرامون محمول - موجود - شکل یافته است) چه نیازی داریم به حیثیات موضوع پیردازیم. اللهم الا ان یقال : تمایز علوم چنانکه ایشان خود می گویند ذاتی است و وابسته به نیاز ما نیست. ثالثا : ایشان در انتها عبارت فرمود :

« إذا عرفت ما ذکرناه: من أنّ تمایز العلوم بتمایز الموضوعات، و تمایز الموضوعات بتمایز الحیثیات »

در جواب می گوئیم :

۱. تمایز موضوعات دو علم تنها به تمایز حیثیات نیست بلکه چه بسا به تمایز ذات موضوع باشد مثل تمایز پزشکی که موضوعش انسان است با ریاضی که موضوعش عدد است.
۲. تمایز موضوعات دو علم گاه در حالی است که حیثیات آن ها واحد است ولی ذات موضوع متعدد است مثلا دندان پزشکی موضوعش دندان از حیث صحت و سلامت است و پزشکی موضوعش قسمت های دیگر بدن از حیث صحت

۱. فوائد الاصول ؛ ج ۱ ص ۲۴

۲. اللهم الا ان یقال : این اشکال تنها ثابت می کند که تفاوت محمولات نیز می تواند مائز علوم باشد ولی ممکن است از نگاه مرحوم نائینی همه علوم از ناحیه «موضوع و حیثیت» متمایز باشند درعین حالی که برخی از علوم علاوه بر آن اختلاف محمولی هم دارند.



و سلامت؛ پس حیثیت واحد است ولی ذات موضوع متغیر است.^۱

اضف الی ذلک : ما سابقا ثابت کردیم که علوم احتیاج به موضوع ندارند. پس اشکالات سه گانه فوق قابل پاسخگویی

است ولی در همین جا می توان اشکالات ۴ گانه امام را جاری دانست.^۲

^۱. اللهم الا ان يقال : عبارت مرحوم نائینی (تمایز الموضوعات بتمایز الحیثیات) گرچه به عنوان قضیه کلیه، نادرست است ولی می توان از مثال های گذشته ایشان چنین استفاده کرد که مراد ایشان آن است که : تمایز الموضوعات بتمایز الحیثیات اذا احتاج الی امر آخر للتمایز غیر ذات الموضوع.

^۲. ص ۲۳ از همین جزوه

